



جهنم

پرسش: **خدا** واسه چی باید بنده هاشو تو آتیش بسوزونه؟ چرا ما اگه به **قرآن** شک کنیم باید بریم **جهنم**؟ اصلاً جهنم کجاست؟ پاسخ:

فهرست مندرجات

- ۱ - بنده خود عامل جهنمی شدن، خود
- ۲ - جایگاه جهنم در نظام هستی
- ۳ - بهشت و جهنم تجسم اعتقادات و اعمال انسان
- ۴ - حل تعارض بین این دو دسته روایات
- ۵ - صعود موجودات و انسان به طور تکوینی
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

بنده خود عامل جهنمی شدن، خود

اولاً **خداوند** بنده هاش رو در آتش جهنم نمی سوزاند، خود بنده ها هستند که با اعمالشان موجب جهنمی شدن می شوند، توضیح اینکه هر عملی اثر وضعی خودش رو بجا میگذارد، **اثر وضعی گناه** (بسته به گناه دارد) جهنمی شدن است.

جایگاه جهنم در نظام هستی

توضیحاتی پیرامون عوالم **هستی** و اینکه جهنم در چه جایگاهی از **نظام هستی** قرار دارد:
طبق **روایات معصومین (ع) خلقت بهشت** مقدم بر خلقت **عالم ماده** بوده است؛ البته نه به **تقدم زمانی** بلکه به **تقدم وجودی** و رتبی. « جابر جعفی از امام پنجم علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند: ای جابر خدا بود و چیزی جز او نبود، نه معلومی بود و نه مجهولی. خداوند تعالی **آفرینش** را آغاز نمود به **مجد** - صلی الله علیه و آله و سلم - و ما **اهل بیت**، به همراه او، از نور عظمتش و ما را سایه‌های سبزی در برابر خود نگه داشت؛ آنجا که نه آسمانی بود و نه زمینی، نه مکانی، نه شب، نه روز و نه **خورشید** و نه **ماه**، جدا می شد نور ما از نور پروردگاران چون پرتو خورشید از خورشید؛ خدا را **تسبیح** و **تقدیس** و **سیاس** می کردیم و او را چنانچه شایسته است، می پرستیدیم؛ سپس برای خدا بر آن شد که مکانی را بیافریند و آن را **آفرید**، و بر آن مکان نگاشت: لا اله الا الله، **مجد** رسول الله، و **علی امیر المؤمنین و وصی** او است؛ که به او کمکش دادم و باریش نمودم؛ سپس **خدا عرش** را **آفرید** و بر پرده‌های عرش همان را نوشت، سپس آسمانها را **آفرید** و بر کناره‌هایش مانند آن را نوشت، سپس بهشت و دوزخ را **آفرید**، و بر آنها مانند آن را نوشت، سپس فرشته‌ها را **آفرید** و در آسمان جا داد، سپس هوا را **آفرید** و بر آن هم، مانند آن را نوشت، سپس **جن** را **آفرید** و در هوا جا داد، سپس زمین را **آفرید** و بر کناره‌هایش مانند آن را نوشت، ای جابر بدان بود که آسمانها بی‌ستون بر پا ماندند و زمین بر جا ماند، سپس خدا آدم را از خاک روی زمین **آفرید**. « [۱] از این قبیل روایات که بیانگر خلقت بهشت را قبل از عالم ماده هستند بسیار زیادند. البته فهم این روایات نیز کار آسانی نیست؛ چون مراد از کلماتی مثل مکان و نوشتن و هوا و آسمان و امثال آنها در اینگونه از روایات همان معنای متداول آنها در میان عرف نیست. لذا تفسیر درست این روایات نیازمند معونه علمی بالایی است.

بهشت و جهنم تجسم اعتقادات و اعمال انسان

طبق برخی دیگر از روایات، نعمات بهشتی و عذابهای جهنم، **ظهور** و **تجسم اعتقادات و خلیات** و اعمال انسانها هستند. برای مثال، **پیامبر اکرم (ص)** فرمودند: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ...» - هر کس سبحان الله گوید خدا برای او درختی به سبب آن در بهشت می کارد...» [۲] به توجه به دو طیف مختلف از روایات فوق الذکر این سوال پیش می آید که بالاخره، بهشت و جهنم قبل از موجودات مکلف و اعمال و خلیات و عقائد آنها وجود داشته اند یا اینکه ظهور و تجسم اعمال و عقائد و خلیات موجودات مکلف هستند؟ و آیا بین این دو طیف از روایات تعارض نیست؟

حل تعارض بین این دو دسته روایات

جواب این است که این تعارض ظاهری از راه **فلسفه اسلامی** و به خصوص با **حکمت متعالیه** و همچنین از راه **عرفان نظری**، قابل حل است. طبق نظر **عرفا** و **حکمای اسلامی**، **عالم وجود**، دارای مراتب است. از نگاه عرفا، اولین ظهور حق تعالی با اسم الاحد بوده و بعد از آن اسم الواحد ظاهر شده است؛ و از اسم الواحد، سایر اسماء و صفات به ترتیبی خاص ظهور یافته اند؛ و بعد از مرتبه اسماء و صفات ذاتیه **حق** تعالی، مرتبه علم ذاتی اوست. این محدوده از بحث از موضوع فلسفه خارج است؛ لذا **فلاسفه** در این باب، جز نقل سخنان عرفا سخنی دیگر نگفته و بحث چندانی نکرده اند. به نظر عرفا و حکما بعد از مرتبه علم الهی مرتبه **عالم عقول** است؛ که عالمی است کاملاً غیر مادی که از شکل و رنگ و مقدار و حرکت و مکان و زمان میزاست. بعد از عالم عقول، عالم مثال است که آن هم عالمی غیر مادی است؛ ولی برخی از آثار ماده مثل شکل و رنگ و مقدار در آن وجود دارد. بعد از عالم مثال عالم ماده واقع شده خصوصیت اصلی آن حرکت و سیلان ذاتی و جوهری است. از دید حکما و عرفا، رابطه این عوالم رابطه طولی است؛ یعنی عالم بالاتر **علت** و **حقیقت** عالم پایین تر از خود، و عالم پایین تر رقیقه و معلول عالم بالاتر از خود است. عرفا در سیر نزولی عالم، برای بهشت، سه مرتبه کلی بیان نموده اند؛ **جنت اسماء**، **جنت ارواح** (**جنت عقول**) و **جنت اجساد** (**بهشت عالم مثال**)، ولی این بهشتهای قوس نزول، از آن هیچ کس نیست بلکه اینها مراتب هستی هستند. در واقع بهشت اسماء چیزی جز خود نظام اسماء نیست؛ و جنت ارواح نیز، چیزی جز عالم عقول نیست؛ جنت اجساد نیز عین خود عالم مثال است. به بیان دیگر این بهشتهای طولی به ترتیب **علت وجودی** یکدیگرند. و جنت اجساد در قوس نزول که همان عالم مثال نزولی است علت عالم ماده است با تمام موجوداتش. لذا تمام کمالات موجودات مادی در جنت اجساد نزولی موجود است؛ کما اینکه **کمال** جنت مثال نزولی در جنت ارواح نزولی است؛ و کمال همه در جنت اسماء است. بنا بر این حقیقت همه موجودات عالم ماده در عوالم بالاتر موجود است؛ و این موجودات مادی تنزل یافته آن حقایق غیر مادی هستند.

از طرف دیگر همه موجودات عالم ماده و از جمله انسان، به طور تکوینی، دائماً در حال صعود به عوالم بالا هستند. یعنی همه موجودات به همان مرتبه از وجود بازمی گردند که از آن تنزل یافته اند. «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» [۲]

پانویس

۱. ↑ بحار الأنوار؛ ج ۵۴؛ ص ۱۶۹.
۲. ↑ أمالی الصدوق؛ ص ۶۰۷؛ المجلس الثامن و الثمانون.
۳. ↑ الشوری/سوره ۲۳، آیه ۵۳.

منبع

شهرسوال.

رده‌های این صفحه : کلام | معاد شناسی | جهنم